

پویانمایی را منتشر کرده اند. آنها کار صنعتی می کنند بنابراین به فیلمساز سوژه می دهند که از آن فیلمنامه خلق کند. مخاطب امروز ما بسیار باشعور است. آثار دنیا را می بیند. همه می دانیم که اگر بیشترین هزینه را هم صرف کنیم، اگر پایه اثر که فیلمنامه است قوی نباشد، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

شجری کهن با بیان اینکه خیلی اهل کار تیمی نیستیم، تصریح می کند: در فیلمنامه‌های تخصصی شوخی نویس‌ها و دیالوگ نویس‌ها جدا هستند. هنرمندان ما به صورت جزیره‌ای و جدا از هم کار می کنند. تبدیل تجربه موفق به الگوی دائمی موجب جریان سازی می شود. ترکیه خط تولید سریال دارد و ارزان درآمدن کار برایشان مهم است. در عین حال داعیه جهانی دارند. در کره با آن میزان از جمعیت و استودیوهای که وجه تکنیکال را به محصول نهایی تبدیل می کنند، به اندازه یکی از شبکه‌های ماست. ما بهترین امکانات و سخت افزارها را در اختیار داریم اما نمی توانیم آنها را به هم وصل کنیم.

#### هالیوود سبک زندگی ما را تغییر می دهد

مقدسیان با بیان اینکه مهمترین رسانه آمریکایی فیلم‌های هالیوودی است، اذعان می کند: آنها هم بخشنامه می دهند که مثلاً سیاه پوستان و زنان در آثار اولویت پیدا کنند. می بینیم که این نقطه برجسته در همه آثار تکرار می شوند. دستاورد هالیوود فقط درآمدزایی نیست بلکه سبک زندگی ما براساس آن تغییر می کند. در همه کشورها همین طور است. ترکیه یک بخش را کسب درآمد و بخش دیگر را اشاعه فرهنگ و زبان و ایست ترکی خود می داند. از نظر آنها ثروت اصلی در جایی است که فرهنگ و تاریخ ترکی رشد کند. در صورتی که تنها زبان قدیمی زنده دنیا فارسی است. آیا این فرهنگسازی می تواند فقط با سریال‌هایی مانند «مختار نامه» باشد؟ قطعاً جریان سازی تداوم است. اگر نظام‌مند سریال‌سازی کنیم، نمی توانیم برای فرهنگ و درآمد برنامه‌ریزی کنیم. در حال حاضر ما مخاطب داخل کشور را نمی توانیم ارضا کنیم چه برسد به مخاطب خارجی؛ رشد فرهنگی و سیاسی نیازمند سریال سازی است.

وی با اشاره به اهمیت مخاطب محوری، می گوید: در فیلم «تک تیرانداز» به جای اینکه قهرمان را بزرگ کنیم، او را تقلیل دادیم چون فیلمنامه نویسی بلد نیستیم. باید با آموزش کار کرد. جریان بدون مطالعه مستمر و آموزش خلق نمی شود. ما نمی گوئیم همه شوراها بد نیستند اما آدم متخصص در آنها کم است. باید سراغ شوراها متخصص و نیروی متخصص برویم. شجری کهن با بیان اینکه باید بیذرفت روی نقطه صفر نشستیم، تاکید می کند: میزان بیننده ما نسبت به این سازمان بسیار کم است. باید تعداد بیننده و خروجی زیاد باشد. آمارهای رسمی و روابط عمومی الان، زمینده تلویزیون ما نیست. باید برنامه‌ریزی و چشم انداز چند ساله داشته باشیم.

در ادامه شجری کهن مطرح می کند: مدیر نباید حکم و بخشنامه صادر کند. قصه‌ها باید از دل موقعیت بجوشند. وقتی اولویت بندی صورت می گیرد ما واقعیت‌های امروز را می فهمیم. درام همواره از دل تنش بیرون می آید. روایت‌ها باید از فیلترهایی عبور کنند که خیلی از آنها غیر لازم است. یک سریال نیاز به طراحی قوی دارد.

برنامه‌سازان و مدیران تصمیم‌گیر با مخاطب یکی از علت‌های مهم این وضعیت است. یعنی مدیران براساس واکنش مستقیم و لحظه‌ای مخاطب تصمیم‌گیری نمی کنند بلکه براساس صلاح و ملاحظات مدیرانه خود تصمیم می گیرند. علت ماندگاری سریالی مانند «متهم گریخت» و «روزگار قریب» این بود که اول از همه آدم کاربلد آن را دست

گرفته است که زمینه

فعالیت خود را

می شناسد. کار



را به کاردان سپردن، یک

الگوی کلی است. همچنین

قصه‌هایی که از دل زندگی مردم بیرون

می آیند هم مهم هستند.

چندین سریال دیده‌ایم که ۵ قسمت خوب دارد و بقیه قسمت‌هایش خوب نیست. با طرح نیمه مجوز می گیرند، قطعاً اینطور نمی توان سریال درجه ۱ ساخت.



**در فیلمنامه‌های تخصصی شوخی نویس‌ها و دیالوگ نویس‌ها جدا هستند. هنرمندان ما به صورت جزیره‌ای و جدا از هم کار می کنند. تجربه موفق به الگوی دائمی موجب جریان سازی می شود**

#### دلسوز متخصص لازم داریم

مقدسیان در ادامه این تحلیل می گوید: افرادی در شوراها درباره فیلمنامه نظر می دهند که فقط دلسوز هستند، در صورتی که دلسوزی خالی کافی نیست. ما متخصص دلسوز می خواهیم. کار شوراها این است که از زاویه نگاه جامعه محافظت کنند. در صورتی که آنها باید جامعه شناسی، روان شناسی، مسائل حقوقی و غیره هم بدانند. مگر می شود کسی با ندانستن این مسائل فیلم بسازد؟ باید دید که ما در شیوه فیلمنامه نویسی چقدر قصه گفتن بلد هستیم. اگر بلد باشیم قصه تعریف کنیم، سریال‌هایمان هم خوب می شوند. در حال حاضر ترکیه صنعت سریال سازی دارد و در نوار شمالی آفریقا به صورت رایگان محصولات خود را توزیع می کند. ترکیه در دو دهه اخیر برنامه‌ریزی دقیقی برای شناسایی نیروهای جوان انجام داد، از نیروی خارجی برای آموزش نیروهای خود استفاده کرد، در نتیجه الان صنعت پویا دارند و به محض اراده اثر تولید می کنند. در حالی که ما آدم نداریم.

وی تاکید می کند: باید نیروهایی تربیت کنیم که متخصصانه به سریال نگاه کنند. در حال حاضر کمپانی‌های بزرگ سریال سازی، الگوی خط تولید خود در سریال واقعی و

#### اهمیت شیوه ارائه اثر

مقدسیان با اشاره به موفقیت‌های ورزشکاران ایرانی در رشته‌های فردی، بیان می کند: وقتی یک آدم در مقایسه با بقیه نتیجه بگیرد، یعنی ساختار نیست که آدم را پرورش می دهد. یکسری از افراد در همین زیرساخت سریال سازی رشد کردند اما استتیا بودند. اما برای رفتن به سمت جریان سازی، برنامه‌ریزی کوتاه، میان و بلند مدت لازم است. معمولاً سیاست‌های اجتماعی در بیشتر فیلم‌های مهم دنیا دیده می شود، ما هم این موضوعات را می نویسیم. مگر ما در کشور قهرمان کم داریم؟ باید آدم‌هایی را مشخص کنیم تا در دل یک ساختار آموزش ببینند.

وی تاکید می کند: قطعاً نگارش سینما با سریال فرق دارد و شیوه ارائه اثر مهم است. به طور مثال کرونا که اتفاق افتاد نامه‌ای منتشر شد که درباره این موضوع فیلمنامه بنویسید. برای نوشتن این فیلمنامه کافی است دو بار به بیمارستان‌ها بروید. اما فیلمنامه‌هایی می آمد که فیلمنامه‌نویس، مشکل قلبی بیمار را به کرونا تغییر داده است! در صورتی که نویسنده باید سراغ سوژه‌های کرونایی برود و قصه بنویسد و فیلم ساخته شود. همه اینها تخصص است. اگر مسئله جریان سازی و آموزش را دنبال نکنیم، ۵ سال دیگر هم باید این صحبت‌ها را تکرار کنیم.